

یادداشتی از شکوفه کشوری فعال رسانه و فرهنگی اجتماعی؛

تغییر میدان؛ پیش شرط عبور از بن‌بست‌های حکمرانی

آنچه امروز کشور با آن مواجه است، صرفاً انباشت بحران‌ها یا ضعف تصمیم‌گیران نیست؛ مسئله اصلی، ناهماهنگی میان «ماهیت چالش‌ها» و «میدان تصمیم‌سازی» است. چالش‌های امروز ایران، پرسرعت، شبکه‌ای، چندسطحی و به شدت درهم‌تنیده‌اند؛ در حالی که میدان سیاست‌گذاری همچنان بر منطق‌های خطی، تک‌صدایی و الگوهای متعلق به دو دهه قبل استوار مانده است.

به گزارش خبرنگاران گروه جامعه گزارش خبر، شکوفه کشوری فعال رسانه و فرهنگی اجتماعی در یادداشتی با عنوان "تغییر میدان؛ پیش شرط عبور از بن‌بست‌های حکمرانی" آورده است؛

آنچه امروز کشور با آن مواجه است، صرفاً انباشت بحران‌ها یا ضعف تصمیم‌گیران نیست؛ مسئله اصلی، ناهماهنگی میان «ماهیت چالش‌ها» و «میدان تصمیم‌سازی» است. چالش‌های امروز ایران، پرسرعت، شبکه‌ای، چندسطحی و به شدت درهم‌تنیده‌اند؛ در حالی که میدان سیاست‌گذاری همچنان بر منطق‌های خطی، تک‌صدایی و الگوهای متعلق به دو دهه قبل استوار مانده است.

در چنین شرایطی، حتی کارآمدترین مدیران نیز در میدانی که برای مدیریت بحران طراحی نشده، دچار فرسایش می‌شوند. مشکل نه در اشخاص، بلکه در معماری میدان است؛ میدانی که ظرفیت فهم هم‌زمان بحران‌های اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و حکمرانی را ندارد و به جای حل مسئله، بازتولید تعارض می‌کند.

تجربه‌های جهانی نشان می‌دهد عبور از بحران‌های پیچیده، مستلزم تغییر در «چارچوب تصمیم‌گیری» است؛ چارچوبی که بر مبنای مدیریت سیستمی، تحلیل داده‌محور، چندصدایی مسئولانه و پاسخ‌گویی شفاف شکل گرفته باشد. ادامه اتکاء به دوگانه‌های فرسوده و منازعات قدیمی، نه تنها راه‌حل‌ساز نیست، بلکه هزینه‌های حکمرانی را افزایش می‌دهد.

امروز بیش از هر زمان دیگری، کشور نیازمند طراحی میدان جدید حکمرانی است؛ میدانی متناسب با واقعیت بحران‌ها، نه روایت‌های قدیمی. تغییر میدان، یک انتخاب سیاسی نیست؛ یک ضرورت ملی برای بقا، ثبات و پیشرفت است.

حفظ میدان کرامت مردم؛ یک الزام غیرقابل تعلیق

حفظ «میدان کرامت مردم» نه یک شعار اخلاقی، بلکه یک ضرورت اجرایی و شرط پایداری جامعه است. هر سیاست، تصمیم یا اقدام میدانی که به تضعیف کرامت انسانی منجر شود، حتی اگر با نیت اصلاح باشد، در عمل سرمایه اجتماعی را فرسوده و شکاف دولت - جامعه را عمیق‌تر می‌کند.

کف میدان، جایی است که مردم با واقعیت زندگی، معیشت، امنیت روانی و امید به آینده مواجه‌اند. بی‌توجهی به این میدان، به معنای تصمیم‌سازی در خلأ و حکمرانی بدون لمس واقعیت اجتماعی است. کرامت مردم دقیقاً در همین کف میدان معنا پیدا می‌کند؛ جایی که احترام، شنیده‌شدن و عدالت اجرایی باید قابل لمس باشد.

از این‌رو، حفظ میدان کرامت مردم در جامعه و کف میدان، لازم‌الاجراست؛ نه قابل تعویق، نه قابل تفسیر سلیقه‌ای. حکمرانی موفق، حکمرانی‌ای است که پیش از هر چیز، کرامت مردم را خط قرمز خود بداند و سیاست را از دل واقعیت زندگی مردم بازتعریف کند، نه بالعکس.